

Solutions to resolve the apparent difference between the behavior and words of Imam Sadiq (a.s.) in his denial of opponents

Safar Ali Ganoni ¹ 

1. Assistant Professor, Islamic Azad University, Golpayegan Branch, Iran.

E-mail: ganon1356@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 2022-10-31

Received in revised form
2022-12-15

Accepted 2023-01-07

Available online 25 March
2025

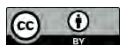
Keywords:

Imam Sadiq's words,
behavior of Imam Sadiq,
exonerating opponents,
solutions to compatibility

ABSTRACT

Abstinence from opponents is one of the important Shiite teachings, which has been emphasized a lot in the Quran and Sunnah. For example, it has been recommended in the words of Imam Sadiq. However, in the association of Imam Sadiq with opponents, abstinence is not seen, but the Imam behaved with them properly and had good association. This has caused a challenge and created a context of conflict between the Imam's words and behavior in relation to his opponents. In the present study, an attempt has been made, using a descriptive-analytical method, to explain the negation and eliminate the conflict between the behavior and words of Imam Sadiq in defending himself from his opponents, and to take steps to create harmony between the two. By examining the words and behavior of Imam Sadiq, it became clear that some solutions such as: chronology, enemy identification, and taqiyyah tolerance are appropriate solutions to resolve the contradiction and confrontation between the words and behavior of Imam Jafar Sadiq in disavowing opponents.


Cite this article: Last Name, Initial., Last Name, Initial., & Last Name, Initial. (2025). Solutions to resolve the apparent difference between the behavior and words of Imam Sadiq (a.s.) in his denial of opponents). *Discourse of History*, 19 (51), 69-86.
<https://doi.org/10.22034/skh.2023.11579.1237>



© The Author(s). Publisher: Al-Mustafa International University.

DOI: <https://doi.org/10.22034/skh.2023.11579.1237>

راهکارهای حل تفاوت ظاهری سیره و سخن امام صادق علیه السلام در تبری از مخالفان

صفر علی قانونی^۱ 

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گلپایگان، گلپایگان، ایران رایانامه: ganon1356@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

تبری از مخالفان یکی از آموزه‌های مهم شیعی است که در قرآن و سنت نیز بر آن تأکید فراوانی شده است. به‌عنوان مثال در سخنان امام صادق (ع) بر آن سفارش شده است. لیکن در معاشرت امام صادق با مخالفان تبری به چشم نمی‌خورد بلکه حضرت با آنان رفتار شایسته و معاشرت نیکویی داشته است. همین امر موجب چالش شده و زمینه تضاد میان سخن و رفتار امام در ارتباط با مخالفان را موجب شده است. در تحقیق پیش رو تلاش شده با روش توصیفی-تحلیلی و باهدف تبیین نفی تعارض میان رفتار و سخن امام صادق (ع) در تبری از مخالفان به راهکارهایی در جهت ایجاد سازگاری میان آن دو اقدام نماید. با بررسی سخنان و رفتار امام صادق (ع) روشن شد که برخی از راهکارها همچون زمان‌شناسی، دشمن‌شناسی و تقیه مداراتی راه‌حل مناسبی جهت برطرف نمودن تضاد و تقابل میان سخن و رفتار امام صادق (ع) در تبری از مخالفان است.

نوع مقاله:

علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۲۵

کلیدواژه‌ها:

سخن امام صادق،

رفتار امام صادق،

تبری از مخالفان،

راهکارهای سازگاری.

استناد: قانونی، صفر علی؛ (۱۴۰۴). راهکارهای حل تفاوت ظاهری سیره و سخن امام صادق علیه السلام در تبری از مخالفان. سخن

تاریخ، ۱۹ (۵۱)، ۸۶-۶۹ <https://doi.org/10.22034/skh.2023.11579.1237>



ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. © نویسندگان.

مقدمه:

سیره معصومین و از جمله سیره امام صادق دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. مراد از سیره فردی رفتاری است که هدف آن متوجه خود فرد و اغلب به قصد خودسازی و تکامل روحی و معنوی فرد و یا جهت گذران زندگی نظیر عبادات و یا کارهای معمول شبانه‌روزی صورت می‌گیرد؛ اما در مقابل سیره فردی، سیره اجتماعی قرار دارد که دارای ابعاد مختلفی است چراکه معنای آن عام است و شامل سیره فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به معنای خاص می‌شود که در این تحقیق از آن به سیره معاشرتی تعبیر می‌شود و مراد از رفتار در این تحقیق همان سیره معاشرتی امام صادق با مخالفان است و منظور از سخن روایاتی است که از حضرت در باب تبری از مخالفان نقل شده است.

امام صادق در سیره معاشرتی خود ارتباط صمیمی و بسیار نزدیکی با مخالفان داشته به نحوی که در طول زندگی و حتی دوران امامت (۱۴۸-۱۱۴ ه ق) ایشان هیچ‌گونه نشان تبری و بیزاری از مخالفان به چشم نمی‌خورد اما به عکس در سخنان حضرت به تبری از مخالفان بسیار تأکید شده است به نحوی که با دیدن این اقوال از امام برای شیعیان چنین باور به وجود می‌آید که بین سخنان و رفتار حضرت در ارتباط با تبری از مخالفان تضاد و تقابل وجود دارد. به گونه‌ای که در سخنان امام وجوب تبری است اما در رفتار حضرت ترک تبری به چشم می‌خورد؛ بنابراین با نگاه به سخن و رفتار امام صادق (ع) نمی‌توان این تقابل را نادیده انگاشت. به همین جهت لازم است ضمن توصیف تبری در سخن و ترک تبری در رفتار حضرت، تحلیلی دقیق از آن ارائه نمود و با رفع تقابل و تضاد ظاهری موجود نسخه‌ی واحدی برای همه‌ی زمان‌ها ارائه داد تا اختلافی میان شیعیان در نحوه برخورد با مخالفان وجود نداشته باشد.

در ارتباط با این موضوع هیچ‌گونه کتاب، مقاله و پایان‌نامه‌ای یافت نشد گر چه بحث تبری از مباحثی است که از گذشته تاکنون مورد توجه همگان بوده و آثار ارزنده‌ای به نگارش درآمده است برخی از این آثار عبارت‌اند از کتاب رساله تولی و تبری تألیف جواد بن عباس کربلایی که در هفت بخش به نگارش درآمده است. نگارنده از این جهت که احادیثی از تبری نقل نموده، سپس با توضیحاتی در باب تبری تلاش کرده تا چهره دشمنان خلافت را آشکار نماید و درباره معنای لعن و جواز آن نسبت به خلفای غاصب سخن گفته است به تحقیق پیش رو نزدیک است.

کتاب تولی و تبری از نگاهی دیگر تألیف مهدی اسماعیلی، نویسنده از این جهت که به تعریف تولی و تبری پرداخته و این دو را لازم و ملزوم یکدیگر دانسته و تبری قلبی را موجب فراموشی این آموزه دانسته و به آثار آن پرداخته به این تحقیق نزدیک است.

کتاب لعن‌های نامقدس؛ تألیف مهدی مسائلی، مؤلف چون به معنای تبری پرداخته و قوانین و محدودیت‌های تبری را بیان می‌کند که با عدم رعایت این قوانین موجب گناه مؤمنان شده و سپس به همزیستی مسالمت ائمه و از جمله امام صادق با مخالفان پرداخته که از این جهت به تحقیق حاضر نزدیک است، اما وجه تمایز آن با پژوهش پیش رو این است که نویسنده بسیاری از لعن‌ها را جایز ندانسته و بدون در نظر گرفتن شرایط به همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید کرده است. کتاب نفحات الالهوت فی لعن الجبت و الطاغوت از علی بن حسین محقق کرکی، نویسنده در مقدمه‌ی کتاب ابتدا به دلایلی که لعن جایز نیست تمسک نموده سپس در هفت فصل و با استدلال به آیات قرآن لعن را اثبات نموده و مخصوصاً به لعن ابوبکر و عمر تکیه کرده و در خاتمه نیز به دلایل استحقاق لعن عایشه تمسک نموده و مذاهب چهارگانه اهل سنت را رد نموده است. در این کتاب گر چه به تبری کمتر پرداخته اما آن را از لعن جدا نکرده و لعن آشکارا را لازم دانسته به تحقیق پیش رو نزدیک است.

مقاله روش نادرست و پیش فرض‌های کاذب در لعن‌های نامقدس تألیف محمدامین هدایت افزا که در فصلنامه نقد کتاب سال دوم شماره ۵ و ۶ سال ۱۳۹۴ چاپ شده است. این مقاله چون به نقد کتاب لعن‌های نامقدس پرداخته و از این جهت که موضعی مخالف اتخاذ نموده و تبری آشکارا و عملی را لازم دانسته به این تحقیق نزدیک است.

مقاله بررسی تقابل تبری و تقیّه با تکیه بر آیات و روایات تألیف رسول رضوی و علی پناهی که در دو فصلنامه امامت پژوهی سال هفتم، شماره ۲۱ به چاپ رسیده است. در این مقاله چون به روایات تبری از امام صادق پرداخته به تحقیق پیش رو نزدیک است، اما چنانکه از عنوان مقاله روشن است در این مقاله تقابل تبری با تقیّه را از دیدگاه آیات و روایات مورد بررسی قرار داده، ولی در این تحقیق به تقابل سخن و سیره امام صادق (ع) در تبری از مخالفان پرداخته شده است.

پایان‌نامه بررسی نسبت تبری و وحدت اسلامی و راهکارهای سازگاری میان آن‌ها تألیف راضیه علی اکبری، این پایان‌نامه از این جهت که بین تبری و وحدت اسلامی تعارضی وجود داشته و به دنبال راهکارهای حل تعارض بوده، به پژوهش حاضر نزدیک است؛ بنابراین روشن شد که در هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها به تقابل و تضاد میان سخن و رفتار امام صادق با مخالفان و راهکارهای سازش میان آن دو اشاره نشده است. به همین منظور لازم بود تحقیق مستقلی هرچند مختصر در این زمینه صورت پذیرد.

۱- توضیح واژگان

۱-۱- سیره

سیره در لغت معانی مختلفی دارد مانند: روش و رفتار، کار و کردار، راه و رسم، حالت و هیئت، شکل و صورت، طریقه و عادت، خوی و خصلت، تاریخ و حکایت، شرح حال و سرگذشت، سبک، سنت و بر وزن فعله که در زبان عربی بر نوع و کیفیت عمل دلالت می‌کند و از سیر به معنای رفتن، سیر کردن در زمین در روز یا شب، حرکت کردن، گذشتن و عبور کردن می‌آید. (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۶، ص ۴۵۳ و راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، ص ۲۴۷) سیره در روایات نیز به معنای روش و رفتار و رسم و سلوک و خلق و خوی به کار رفته است. (نهج البلاغه، صبحی صالح، خ ۱۷۶ و مقرر، عبدالرزاق، مقتل الحسین، ۱۳۹). اما در اصطلاح، به معنای متفاوتی به کار رفته و تعریف واحدی از آن ارائه نشده است. بر این اساس مراد از سیره آن بخش از رفتار و روش عملی هر شخص است که به صورت یک روش و متد درآمده است که برگرفته از مفهوم لغوی این واژه است. (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۷۴).

چنانکه در مقدمه بیان شد سیره معصومین (ع) دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. مراد از سیره فردی رفتاری است که هدف آن متوجه خود فرد و اغلب به قصد خودسازی و تکامل روحی و معنوی فرد و یا جهت گذران زندگی نظیر عبادات و یا کارهای معمول شبانه‌روزی صورت می‌گیرد؛ اما در مقابل سیره فردی، سیره اجتماعی قرار دارد که دارای ابعاد مختلفی است چراکه معنای آن عام است و شامل سیره فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به معنای خاص می‌شود که از آن به سیره معاشرتی تعبیر می‌شود. اگر سیره و روش عملی و برنامه‌های معصومان در راستای مسائل فرهنگی همچون آموزش و تربیت و غیره باشد سیره فرهنگی نام دارد. اگر در راستای مسائل و رخدادهای سیاسی مثل ارتباط با حاکمان و قیام‌های عصرشان باشد سیره سیاسی گفته می‌شود و اگر در راستای فعالیت‌های اقتصادی معصومان در جامعه باشد سیره اقتصادی و اگر در ارتباط با مردم اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان باشد مثل حسن و سوء معاشرت سیره معاشرتی نام دارد. مراد از رفتار در این تحقیق همان سیره معاشرتی است.

۱-۲- تبری

تبری، مصدر باب تَفَعَّلَ، از ماده بُرء، بَرَاءً، بَرَاءً (ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، ۱، ۳۳۰؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱، ۳۱). و به معنای، محبت نکردن، ترک

معاشرت، دوری کردن، بیزاری جستن، اعتماد نکردن و اظهار دشمنی و نفرت استعمال شده است. (راغب اصفهانی، حسین، مفردات، ص ۱۲۱؛ مصطفوی، حسن، التحقيق في کلمات القرآن الکریم، ۱، ۲۴۰). در عرف متشرعه نیز به معنای دشمنی با دشمنان خداوند متعال و اولیای اوست و از بیزاری اعتقادی و قلبی، آغاز و به اعلام انزجار در زبان و رفتار، منتهی می‌شود. (صدوق، محمد بن علی، اعتقادات الامامیه، ص ۱۳۰؛ طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱، ۴۲۶؛ طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، ۴، ۲۴۹).

۳-۱- لعن

لعن به معنای دور نمودن و راندن به همراه ناراحتی است. لعن از طرف خدا به معنای قطع رحمت و توفیقات دنیوی و عقاب اخروی است و از سوی انسان، نوعی بدخواهی و نفرین نسبت به دیگران است. (طریحی، مجمع البحرین، ۱۳۷۵ ش، ج ۶، ص ۳۰۹). بعضی لعن را مساوی با سب دانسته‌اند. (بستانی، فرهنگ ابجدی، ۱۳۷۵ ش، ص ۷۵۶). اما گروهی سب و لعن را دو مقوله جدا و دارای معنای اختصاصی دانسته و معنای سب را شتم و بیان کلام زشت و معنای لعن را طرد و دور گرداندن از رحمت الهی عنوان نموده‌اند. (فخلعی، مجموعه گفتمان‌های مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۹۹). به نظر نگارنده سب و لعن از مصادیق تبری است.

۴-۱- مخالفان

گاهی برخی افراد از نظر فکری و عقیدتی راه کفر و شرک را پیش گرفته و با حکومت اسلامی ناسازگاری نموده و برای زیان رساندن به اسلام تلاش می‌کنند که از آنان -از نظر عقیدتی- به دشمنان بیرونی تعبیر می‌شود؛ اما گاهی افراد از نظر عقیدتی کافر یا مشرک نیستند، بلکه از مسیر حق و حقانیت اسلام سربیزیچی نموده و به همان اندازه با خداوند، انبیا، ائمه اطهار علیهم السلام و مؤمنان دشمنی پیدا می‌کنند و اگر قدرت داشته باشند، تمام احکام الهی را زیر پا می‌گذارند و از میان جامعه اسلامی و در لباس اسلام، بر ضد اسلام رفتار خواهند کرد. اینان در ردیف دشمنان داخلی قرار می‌گیرند. (اسماعیلی، مهدی، تولی و تبری از نگاهی دیگر، ص ۵۰-۴۹) از این رو مراد از مخالفان در این تحقیق مسلمانانی هستند که به دلیل گرایش‌های فکری و سیاسی نادرست از اسلام راستین جدا شده و از آن‌ها به دشمنان داخلی یا غیرخودی‌ها تعبیر می‌شود و همان‌گونه که قرآن کریم از تولی با کفار و اهل کتاب بر حذر داشته و تبری از آنان را سفارش نموده است، (ممتحنه: ۱ و ۲؛ منافقون: ۴؛ احزاب: ۶۰؛ مائده: ۵۱؛ حجرات: ۹؛ مائده: ۳۳). رسول خدا و ائمه اطهار نیز تبری و دوری از دشمنان اهل بیت را واجب و ضروری دانسته و به آن سفارش

نموده‌اند. (صدوق، محمدبن علی، عیون اخبار الرضا، ۲، ۲۷۲).

۲- بررسی نسبت سخن و رفتار امام صادق در مسئله تبری از مخالفان

اعتقاد قلبی و پنهانی به تبری از آموزه‌های مهم شیعی است اما این تنها وظیفه‌ی شیعیان نیست بلکه در صورت امکان شیعیان باید انزجار قلبی خود را در گفتار و رفتار خود نشان دهند. به همین جهت امام صادق (ع) به اصحاب و شیعیان توصیه نموده که برتری خود را نسبت به دیگران اظهار نمایند (کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ۱، ۴۳۷). و به‌جای تبری پنهانی در صورت امکان آن را آشکار کنند (همان، ۲، ۳۷۵). و در صورتی که تبری آشکارا ممکن نبود با تبری جستن از دشمنان به‌صورت پنهانی امام را یاری دهند. (دیلمی، إرشاد القلوب إلی الصواب؛ ج ۲؛ ص ۴۲۶).

اهمیت تبری در نگاه امام صادق (ع) به حدی است که آن را به اهل بیت خود از بزرگ و کوچک آموزش داده (کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، ص ۲۰۶) و شیعیان خود را به تبری از دشمنان، (صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۱؛ ۳۳۰، کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۳، ۳۲) قاتلان (صدوق، محمد بن علی، همان، ۲، ۵۸۹) و ظالمان (کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۴، ۵۷۱، ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ۱۷۷) و افرادی که مردم را بر اهل بیت مسلط کردند (طوسی، محمد بن حسن، تهذیب، ۶، ۸۸) تشویق و ترغیب نمود و از شیعیان خواست تا تبری نمودن به‌طور آشکارا را به دیگران آموزش دهند. (کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، ۲۰۶). حضرت در برخی روایات تبری از مخالفان را بر شیعیان واجب کرد (صدوق، محمد بن علی، الخصال؛ ج ۲؛ ص ۶۰۷) و آن را از اصول اعتقادی شیعیان برشمرد (ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالأعمال الحسنة، ۲، ۲۸۸). به‌نحوی که شیعیان بایستی به آن اعتقاد داشته و با همان حال از دنیا بروند (ابن قولویه، کامل الزیارات، ۲۵۸) و به همان صورت در صحرای محشر محشور شده (ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالأعمال الحسنة، ۴۲۰) و به‌وسیله تبری به خداوند تقرب جویند. (طوسی، محمد بن حسن، تهذیب، ۶، ۸۸). خود حضرت نیز به این امر اهتمام ورزید به حدی که حضرت چهار مرد و چهار زن، از دشمنان خود را بعد از هر نماز واجب لعن می‌کرد. (کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۳، ص ۳۴۲).

امام صادق در سخنان خود به مراتب تبری نیز اشاره کرد. به‌عنوان نمونه گاهی تبری از مخالفان با دشنام دادن و بدگویی و بیزاری جستن از آنان به‌صورت آشکارا است. (همان، ج ۲؛ ص ۳۷۵؛ خوئی، منهج البراعة فی شرح نهج البلاغة؛ ج ۹؛ ص ۷۶) برخی زمان‌هاتبری از مخالفان تنها دشمنی با آنان است (برقی، المحاسن، ۱، ۱۶۵) و برخی مواقع تبری از مخالفان

لحن به آن‌ها است. (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۳، ص ۳۴۲) گاهی نیز تبری از مخالفان بغض و کینه‌ی قلبی نسبت به آنان است (همان، ج ۲، ص ۱۲۵، ح ۰۵) و بعضی وقت‌ها تبری از مخالفان طعام ندادن به آن‌هاست چراکه از دیدگاه امام صادق کسی که گرسنه‌ای از دشمنان اهل بیت را سیر کند در حقیقت یکی از محبان و پیروان آنان را به قتل رسانده و گناه بزرگی را مرتکب شده است. (صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، ۳۶۵).

امام صادق در سخنانش حتی به آثار و پیامدهای تبری پرداخته است. حضرت فرمود کسی که از دشمنان خداوند تبری بجوید در قیامت از هر یک از درهای هشتگانه بهشت که بخواد می‌تواند داخل شود. (همو، الأمالی، ص ۴۷۵). از سخن امام صادق روشن می‌شود کسی که دشمن خداست دشمن ائمه نیز است و فردی که از چنین دشمنانی تبری بجوید وارد بهشت می‌شود. یکی دیگر از آثار تبری به دست آوردن حسنات و درجات بالای آخرت است. چنانچه امام صادق (ع) از رسول خدا نقل کرده که هرگاه کسی بیزاری خود را از اهل بدعت آشکار کند و بسیار به آن‌ها دشنام دهد خداوند در برابر این کار حسنات بسیاری را نوشته و درجات آنان را در آخرت بالا خواهد برد. (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی؛ ج ۲؛ ص ۳۷۵). همچنین فردی که تبری بجوید از برگزیدگان خداوند است. (استرآبادی، البراهین القاطعه، ۴، ۱۱۶). اثر دیگر تبری ایمان به خداست چنانچه امام صادق خطاب به یکی از یارانش به نام فضیل بن یسار ایمان را از آثار و نشانه‌های دوستی و دشمنی با مخالفان دانست (کلینی، محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۲۵، ح ۰۵) و در روایت دیگر تبری را مکمل ایمان قرارداد. (همان، ج ۲، ص ۱۲۴). این‌ها برخی از آثار و پیامدهای تبری بود که در سخنان امام صادق بر آن تأکید شده است. حضرت حتی به پیامدهای ترک تبری نیز اشاره نموده است. یکی از آثار ترک تبری اتهام به دروغ‌گویی است زیرا امام صادق فرمود دروغ می‌گوید کسی که فکر می‌کند از دوستان ماست ولی از دشمنان ما بیزاری نمی‌جوید (خوئی، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة؛ ج ۹؛ ص ۷۶) و در روایت دیگری مبنای تبری را دین قرارداد و کسی که دوستی و دشمنی‌اش بر اساس دینش نباشد در حقیقت دین ندارد. (کلینی، محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۲۷، حدیث ۱۶) به همین جهت برخی بر لزوم اصل تولی و تبری در اندیشه، تصمیم و عمل تأکید نموده (مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ۲۷، ۲۱۶) و ترک آن را فاجعه و مصیبتی بزرگ قلمداد نموده‌اند زیرا دشمنان اسلام در هر زمانی سعی دارند تولی و تبری را از بین ببرند. (همان، ۳، ۲۶۶). در این صورت از تبری و تولی به‌جز پوسته‌ای چیزی باقی نخواهد ماند. (همان، ۲۷، ۲۱۵).

بنابراین هر شیعه جعفری که خود را پیرو مکتب امام صادق دانسته و می‌خواهد که تابع

محض آن حضرت باشد با دیدن سخنان آن حضرت به ظن قوی می‌رسد که تبری از مخالفان واجب و آشکار نمودن آن نیز لازم و ضروری است و ترک آن حتی به‌طور موقت جایز نیست چراکه امام صادق تأکید فراوانی به آن نموده و شیعیان را به انجام تبری تشویق و ترغیب نموده و خود حضرت نیز به تبری اقدام نموده است. علاوه بر آن حضرت در سخنان خود به مراتب و آثار و پیامدهای آن پرداخته است.

اما برخلاف سخنان امام صادق علیه‌السلام، رفتار حضرت با مخالفان است زیرا معاشرت حضرت با مخالفان به‌گونه‌ای بود که احساس نمی‌کردند با شخصیتی روبه‌رو هستند که ریاست مذهب مخالف آن‌ها را بر عهده دارد، تا جایی که عالی‌ترین شخصیت‌های محبوب اهل سنت بخش زیادی از علوم و دانش خود را از امام صادق فراگرفته و افتخار کردند که شاگرد ایشان بودند. (الجددی، عبدالحلیم، الإمام جعفر الصادق، ۱۳۹۷ ق: ۲۵۲؛ جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ۳۹۹). به‌نحوی که مالک بن انس به عظمت علمی و شخصیت اخلاقی امام صادق علیه‌السلام اعتراف کرد (ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ۱۹۶۸ م، ج ۲: ۱۰۴) و گفت هر وقت خدمت حضرت رسیدم با من مزاح نمود و تبسم ملایمی بر لب‌هایش نمایان بود و هر زمان خدمت امام می‌رسیدم زیرانداز خود را برمی‌داشت و زیر پای من می‌گستراند (قاضی عیاض یحصبی، ترتیب المدارک و تقریب المسالك بی تا ج ۱: ۵۵). و به من می‌فرمود: ای مالک من حقاً تو را دوست دارم و من در برابر این سخن مسرور می‌شدم و حمد خدا را به پاس این محبت حضرت به‌جا می‌آوردم. (صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج ۱، ۱۶۷؛ همو، امالی، ۳، ۱۴۳، همو، علل الشرایع، ۲۳۵، ابن شهر آشوب، مناقب، ۴۲۷۵). مالک در جای دیگر اعتراف می‌کند هرگز کسی در فضل، علم، عبادت و ورع بالاتر از امام جعفر صادق علیه‌السلام نه دیده، نه شنیده و نه بر دل بشری خطور کرده است. (ابن شهر آشوب، مناقب آل ابي طالب، ج ۳، ص ۳۷۲؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۲۸؛ سید محسن امین، أعيان الشيعة، ج ۱، ص ۶۶۴؛ صدوق، الأمالی، ص ۶۳۶؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۴۰۱).

چنانچه وقتی محمد بن عبدالرحمان^۱ از امام صادق علیه‌السلام پرسش نمود و پاسخ‌های حضرت را شنید، خطاب به امام عرض کرد: شهادت می‌دهم که شما حجت‌های خداوند بر بندگانش هستید. (صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۵۶۹). فراگیری علوم امام صادق

۱. معروف به ابن ابی لیلی فقیه، محدث، مفتی و قاضی بنام کوفه بود.

علیه السلام و بیان فضایل علمی و اخلاقی ایشان توسط علمای بزرگ اهل سنت نشان از رفت و آمدهای آنان با حضرت بوده که در سایه‌ی حسن معاشرت حضرت محقق شده است.

شبهه همین برخورد را امام صادق علیه السلام با ابوحنیفه داشت آن وقتی که ابوحنیفه با تحریک منصور دوانیقی مأمور شد تا با طرح سوالات غامض و پیچیده از عظمت علمی و اخلاقی و رفتاری امام در جامعه بکاهد اما برخورد حضرت به شدت ابوحنیفه را تحت تأثیر قرارداد به نحوی که حضرت را داناترین فرد نامید. (ذهبی، تاریخ اسلام، ۱۹۹۸، ج ۶: ۲۵۷ - ۲۵۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳، ج ۴۷: ۲۱۷). در جای دیگر ابوحنیفه از امام تقاضا کرد تا حدیثی را بیان کند، بعد از بیان حدیث از سوی حضرت، ابوحنیفه گریان شد و با دوستانش که همراه وی بودند، برخاستند و از مجلس خارج گشتند. (مفید، اختصاص، ص ۱۸۹). همین برخوردهای امام صادق موجب شد تا ابوحنیفه به حمایت از قیام‌های شیعی در برابر بنی عباس همچون قیام محمد بن عبدالله بن حسن و برادر وی ابراهیم اقدام نماید. (ر.ک. اسد حیدر، ۱۳۹۲، ج ۱: ۴۶۶). رفتار ملایم امام صادق منصور دوانیقی را نیز تحت تأثیر قرارداد و سبب شد تا خشم و عصبانیتی که نسبت به امام داشت از بین برود. (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲: ۵۶۳).

شدت توجه امام صادق (ع) به مدارا با مخالفان به حدی بود که حضرت حتی شیعیان را در مقابل توهین و تهدید آنان به صبر دعوت کرد و از آن‌ها خواست تا با مخالفان به نیکی رفتار کنند. یکی از یاران امام صادق به نام «مرازم» می‌گوید: امام صادق مرا برای رساندن نامه‌ای مأمور کرد، سپس فرمود: ای مرازم با مخالفان به نیکی رفتار کن گرچه به ما دشنام دهند. (طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ۱۳۷۹، ۱۲۸). امام صادق تأکیدهای شگفتی به شیعیان در معاشرت با مخالفان کرد به عنوان نمونه تأکید حضرت بر حضور شیعیان در نماز جماعت اهل سنت و نماز گزاردن با آن‌ها است به گونه‌ای که حضرت ثواب نماز با آنان را معادل ثواب نماز با پیامبر یا ثواب جهاد در راه خدا دانسته است (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۸: ۲۹۹). و خطاب به اسحاق بن عمار نماز خواندن با مخالفان را در صف اول، همانند شمشیر زدن در راه خدا دانست. (همان، ۳۰۱). همچنین به عیادت بیماران و شرکت در تشیع جنازه آنان توصیه کرد. (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص: ۶۳۶). این‌ها نمونه‌هایی از حسن معاشرت امام صادق با مخالفان است.

امام صادق علاوه بر حسن معاشرت با مخالفان، شیعیان را نیز به مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز توصیه نمود و از تبری و لعن به مخالفان منع کرد (همان، ج ۸، ص ۷۷) و لعن مخالفین را مساوی با سب و لعن خدا دانست (همان، ج ۱، ص ۴۳۷) و بارها از شیعیان خواست

که دشمنی در دین را رها کنید. (صدوق، محمد بن علی، امالی، ج ۱، ص ۴۱۸). نقل مشهوری است که حضرت باخبر شدند فردی در مسجد به طور علنی به مخالفان ایشان ناسزا می‌گفت حضرت فرمود خدا لعنتش کند او با این کار باعث می‌شود مردم با دید منفی به امام و مکتب تشیع بنگرند. (همو، الاعتقادات، ۱۴۱۴ ق، ۱۰۷).

از این رو حسن معاشرت امام صادق با مخالفان و ترک تبری از آنان برخلاف سخنان ایشان که به تبری از مخالفان تأکید داشت مسیر دیگری را پیش روی شیعیان امامی قرار داده به نحوی که آنان را به سمت همزیستی مسالمت‌آمیز، تقیه، پرده‌پوشی و حفظ زبان سوق می‌دهد و از بیان حقایق و مطالبی که خوشایند مخالفان نیست، باز می‌دارد و شیعیان را به افراد مصلحت‌اندیش و محتاط تبدیل می‌کند که حفظ ایمان خود را در همراهی ظاهری و ابراز همدلی با مخالفان منحرف می‌دانند. به همین جهت با نگاهی بر سخنان امام صادق در رابطه با تبری از مخالفان و سپس با نگاهی دیگر بر حسن معاشرت و ترک تبری حضرت، انسان سرگردان شده و اسیر گمان تقابل و دوگانگی می‌شود که در ادامه به راهکارهای رفع این تقابل و تضاد پرداخته شده است.

۳- راهکارهای سازگاری میان سخن و رفتار امام صادق در تبری از مخالفان

چنانچه بیان شد تبری یکی از آموزه‌های مهم شیعیان است که در حوزه نظری از اصول اعتقادی و در حوزه عملی جزء فروع دین آنان به شمار می‌رود. از دیدگاه امام صادق نیز تبری واجب است (همو، الخصال؛ ج ۲؛ ص ۶۰۷). و تارک آن کافر، بی‌دین (کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۱۲۷، حدیث ۱۰۱۶) و بی‌ایمان (همان، ج ۲، ص ۱۲۵، ح ۵) است به همین جهت تبری از مخالفان امری انکارناپذیر است و در هر حال بر شیعیان لازم و ضروری است. از طرف دیگر امام صادق با مخالفان حسن معاشرت داشته و بر آن تأکید فراوانی نموده است از همین رو در سخن و رفتار امام در ارتباط با مخالفان نوعی تقابل به چشم می‌خورد. در این بخش به برخی از راهکارها جهت رفع تقابل میان سخن و رفتار امام اشاره شده است.

۳-۱- زمان‌شناسی

شناخت زمان و شرایط تبری از مخالفان مهم‌ترین مقوله‌ای است که هر فرد مؤمن و معتقد به خدا با در نظر گرفتن آن از مخالفان تبری می‌جوید زیرا بدون در نظر گرفتن زمان مناسب برای انجام تبری آن را بی‌اثر نموده و آسیب‌هایی را نیز در پی خواهد داشت به همین جهت تبری تابع شرایط و زمان بوده و در زمان‌های گوناگون متغیر است گاهی آشکارا و گاهی پنهانی صورت

می‌گیرد و این به معنای ترک تبری نیست بلکه شخص تبری جوینده در عین تبری اهداف مهم دیگری را نیز دنبال می‌کند و اگر امام صادق به تبری از مخالفان توصیه نمود (همان، ۱، ۴۳۷). اما در رفتار خود با مخالفان حسن معاشرت را پیشه کرد (قاضی عیاض یحصبی، ترتیب المدارک و تقریب المسالک بی تا ج ۱: ۵۵، صدوق، بی تا ج ۱: ۱۸۸؛ ذهبی، تاریخ اسلام، ۱۹۹۸، ج ۶: ۲۵۷-۲۵۸). بدین معنا نیست که در سخنان و رفتار حضرت تقابل وجود دارد بلکه امام با شناختی که به زمانه‌ی خود داشت در عین تبری، برای مصالحی همچون حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان و ایجاد توسعه برای شیعیان و حفظ آبروی مذهب تشیع یا برای ادای حقوق مسلمانان اقدام به حسن معاشرت و همزیستی مسالمت‌آمیز با آنان نموده است. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۴۹ و ج ۸، ص ۳۹۸ و ص ۴۰۰).

از این رو با بررسی سخنان امام صادق در ارتباط با تبری از مخالفان روشن می‌شود تبری در همه زمان‌ها واجب است اما گاهی آشکارا و بعضی مواقع قلبی و برخی زمان‌ها با ناسزاگویی و دشنام‌گویی به مخالفان است و این فرد تبری جوینده است که بر اساس زمان و شرایط قادر است هم تبری از مخالفان داشته و هم خود و شیعیان را از آسیب‌ها حفظ نماید. به‌عنوان مثال برقی از ابن‌مسکان گزارش می‌کند که امام صادق علیه‌السلام به من فرمود: فکر می‌کنم اگر فردی نزد تو به حضرت علی دشنام بگوید، اگر بتوانی بینی شخص را بجوی این کار را خواهی کرد! گفتم: بلی، به خدا قسم که من و خاندان من این‌گونه هستیم. حضرت فرمود: این کار را نکن گاهی من می‌شنوم که فردی به حضرت علی (ع) ناسزا می‌گوید و حال آنکه میان من و او تنها یک ستون فاصله است. من پشت آن ستون پنهان می‌شوم و مشغول نماز می‌شوم و زمانی که نماز تمام می‌شود نزد او می‌روم و به سلام کرده و از او دلجویی می‌کنم. (برقی، احمدبن محمد خالد، المحاسن، ج ۱، ص ۳۱۳).

همچنین محمدبن مرزوم از پدرش نقل می‌کند: امام صادق به درخواست منصور به حیره رفت و در برگشت به مدینه وقتی به منزل صالحین رسید. نگهبان آنجا به امام اجازه حرکت نداد در این حال مصادف که به همراه حضرت بود اجازه خواست تا او را بکشد؛ اما حضرت به مصادف اجازه نداد تا آنکه ساعتی از شب سپری شد و نگهبان اجازه حرکت داد. در این حال حضرت به همراهان خود فرمود آیا این بهتر است یا آنچه شما می‌خواستید؟ آنگاه حضرت فرمود: گاهی یک شخص با اقدام نادرست تلاش می‌کند تا از یک ذلت کوچک خارج شود، اما آن اقدامش او را در ذلت و خواری بزرگتری قرار می‌دهد. (کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۸، ص ۸۷).

این موارد نشان از زمان‌شناسی امام دارد و کاملاً روشن است که در همه‌ی زمان‌ها نمی‌توان

با مخالفان به طور یکسان تبری نموده و عدم موضع‌گیری‌های امام در این موارد به معنای ترک تبری یا ترس امام از آنان نبوده است بلکه حضرت باهدف دفع آسیب بزرگ‌تر، به صورت موقت تبری را ترک نمود تا خود و شیعیان را حفظ نمایند و اگر زمان‌شناسی و موضع‌گیری‌های به موقع امام صادق نبود هرگز علمای اهل سنت از مقام علمی و اخلاقی امام این‌گونه سخن نمی‌گفتند که ویژگی‌ها و فضائل جعفر بن محمد زیاد است و به خاطر آن بزرگواری و سیادت و فضل و علم و شرفش، صلاحیت خلافت بر مسلمین را داشت. (ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۹، ص ۹۳).

آقای خوئی نیز معتقد است مدارا با اهل سنت در نماز جماعت و امور دیگر به جهت ترس از ضرر نیست، بلکه برای رعایت مصلحت و اتحاد بین مسلمانان است؛ چون در آن زمان اصحاب حضرت به تشیع شناخته می‌شدند، از این رو دستور حضرت به شرکت در نماز آنان، برای شناخته نشدن آنان نبود، بلکه برای مؤدب کردن آنان به اخلاق نیک بوده تا با این عمل، شیعه با اوصاف زیبا و به‌دوراز تعصب و دشمنی ممتاز شود و به آنچه شایسته آنان است آراسته شوند تا اینکه بگویند خدا رحمت کند جعفر را که اصحاب خوبی تربیت کرده است. (خوئی، حبیب الله بن محمد، منهج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ۴: ۳۱۶). بنابراین روشن شد که تبری از مخالفان واجب و ضروری است اما اظهار آن تابع شرایط و زمان است در این صورت تقابلی بین سخن و رفتار امام صادق وجود نخواهد داشت.

۳-۲- تقیه مداراتی

یکی دیگر از راهکارهایی که می‌توان تقابل سخن و رفتار امام صادق در ارتباط با مخالفان را حل کرد تقیه مداراتی است که در مقابل آن تقیه خوفی است. تقیه خوفی عاملش ترس و برای حفظ دین، جان، مال و آبرو است. (صفری، نعمت الله، نقش تقیه در استنباط، ۲۱۶-۲۱۱). اما در تقیه مداراتی، فرد شیعه با اینکه مخالفش علم به شیعه بودن او دارد اما با مخالفش بدون تعصب و خصومت برخورد می‌کند. (همان) توضیح اینکه در تقیه مداراتی طرف شیعی بیان می‌کند که تعصبی در اندیشه دینی خود نداشته و برخورد تند و ناشایست با دیگران ندارد و طرف مقابل را به عنوان مسلمان می‌شناسد اگرچه اختلاف آنان در بحث ولایت اهل بیت پابرجاست. این‌گونه رفتار موجب می‌شود تا دیگران بگویند این‌ها جعفری هستند، خداوند رحمت کند که چنین اصحابی را تربیت کرده و اگر چنین رفتار نکنید می‌گویند این‌ها جعفری هستند، خداوند جزای جعفر را بدهد که چه بد اصحابی تربیت کرده است. (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۷).

بنابراین در زمانی که بسیاری از هم‌نشینان امام صادق در مدینه از اهل سنت بودند امام در

قالب تقیه مداراتی با آنان ارتباط داشت و اگر رفتار امام غیرازاین بود و یا به صورت آشکارا از آنان تبری می‌جوید آن‌ها پراکنده‌شده و حتی آسیب‌های بسیار بزرگ‌تری که در این زمان شیعیان مدینه در اقلیت بودند به وجود می‌آوردند زیرا مالک بن انس معتقد بود اگر کسی به خلفا توهین و لعن کند کافر و فاسق است. با در نظر گرفتن این امر اگر حتی یک گزارش ضعیفی از امام صادق مبنی بر اینکه ایشان لعن می‌کنند وجود داشت؛ آیا مالک بن انس چنین بیان و مدح‌والایی را در مورد حضرت بیان می‌کرد؛ اما مالک هرگز توهینی از سوی امام صادق ندیدند. این رفت‌وآمدها و برخوردهای نرم نشان می‌دهد که امام در پی روشنگری وی بوده است. به‌گونه‌ای خود او به این امر معترف است. (ابن شهرآشوب، مناقب آل اُبی طالب، ج ۳، ص ۳۷۲؛ سیدمحسن امین، اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۶۶۴؛ صدوق، الأمالی، ص ۶۳۶).

همچنین علت مدارای امام صادق با مخالفان، جهت تبیین حقیقت مذهب از سوی ایشان و جذب آنان به تشیع بود. به‌عنوان نمونه مرد شامی که در آن زمان به‌شدت تحت تأثیر بنی امیه قرارگرفته بود و با سفر به مدینه وارد بر امام صادق شد و با درخواست حضرت به مناظره با هشام بن حکم پرداخت و مغلوب شد سپس از امام خواست تا او را از اصحاب خودش قرار دهد امام نیز به اصحاب دستور دادند تا او را آموزش دهند. (کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ۱، ۱۷۳). همچنین نقل شده روزی امام صادق (ع) وارد مسجد مدینه شد و یکی از شاگردان خود را دید که برای مردم احکام فقهی می‌گفت حضرت او را تشویق کرد. او به حضرت گفت که من پاسخ مخاطبان را پیرو مذهب فقهی خودشان جواب می‌دهم حضرت خوشحال شد و فرمود خدا رحمت کند، کار درستی انجام می‌دهی و این کار را ادامه بده. بعد حضرت فرمود خود من هم همین کار را می‌کنم. (حر عاملی، وسایل الشیعه حر عاملی، باب ۱۱ از ابواب قضای قاضی). بنابراین معاشرت با مخالفان در قالب تقیه مداراتی هیچ‌گونه منافاتی نداشته با تبری در زمانی که شرایط به حالت عادی برگشته و صدمه‌ای برای معاشرت با مسلمانان نخواهد داشت، زیرا تقیه مداراتی جهت مصالح یا دفع مفاصد است و چنین امری تا زمانی انجام می‌شود که شرایط برای تبیین حقایق فراهم نبوده و امکان شفاف‌سازی وجود نداشته باشد، در این وضعیت، مؤمنان با موضع تدافعی و پنهان کردن تبری، بیش از آنکه در فکر تبیین و ترویج حقایق باشند، با گفتار و رفتاری که موجب کاهش خصومت مخالفان قدرتمند شود، حفظ جان، مال و آبروی خود و بقای اصل دین را در نظر گرفته و در جهت نگهداری آن‌ها می‌کوشند.

۳-۳- دشمن‌شناسی و انجام تبری بر اساس مراتب دشمنی

چنانچه در مقدمه بیان شد مراد از مخالفان دشمنان داخلی یا غیرخودی‌ها هستند. به همین جهت شناخت غیرخودی‌ها بسیار مهم است زیرا دشمنان خارجی عداوت خود را اظهار می‌کنند به همین خاطر شناسایی آنان آسان و در مبارزه و رویارویی با آنان همیشه مؤمنان پیروز خواهند بود. قرآن کریم نیز در آیات مختلف دشمنان خارجی را شناسانده است. (ممتحنه: ۱ و ۲؛ منافقون: ۴؛ احزاب: ۶۰؛ مائده: ۵۱؛ حجرات: ۹؛ مائده: ۳۳). اما انسان در بسیاری از زمان‌ها از دشمنان داخلی غافل شده و متوجه نقشه‌های آنان نشده و در مکرشان گرفتار می‌شود از این رو پایه و اساس تبری ابتدا دشمن‌شناسی و مصداق‌شناسی است و سپس مراتب تبری بر اساس آن مصادیق محقق می‌شود؛ زیرا از نظر شیعیان هر مسلمان غیر شیعی مصداق وجوب تبری نیست بلکه تبری شامل افرادی می‌شود که طبق روایات و منابع فقهی، با علم و آگاهی نسبت به عترت پیامبر اکرم ابراز دشمنی کنند. یا مثل غلات معتقد به الوهیت حضرت علی شوند. یا همچون مفوضه قائل شوند که آفرینش و روزی دادن و زنده کردن و میراندن به پیامبر اکرم و حضرت علی واگذار شده است. (ر ک: دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۰، ۶، ۳۷۷). این در حالی است که بسیاری از غیرخودی‌ها نسبت به اهل بیت ارادت داشته و اهل بیت را جزو اولیای الهی، صاحب کرامت و صاحب منزلت‌های معنوی بالا دانسته‌اند. (احمد شهاب‌الدین ابن حجر الهیتمی، الفتاویٰ الحدیثیه، ص ۷۸ السفارینی الحنبلی، شمس‌الدین، لوامع الانوار البهیة وسواطع الاسرار الاثریه ج ۲، ص ۳۹۲). به‌طور مسلم تبری با اینان نسبت به کسانی که به‌شدت با اهل بیت دشمنی و کینه داشته و حق آنان را غصب کردند متفاوت است. به همین جهت امام صادق علیه‌السلام در مورد مصادیق تبری فرمود تبری جستن از کسانی لازم است که نسبت به اهل بیت ستم نموده و آنان را از جایگاه خودشان خارج نموده و ظلم و ستم را پایه‌گذاری نموده و بدعت گذاشته سنت و سیره رسول‌الله را تغییر دادند و حتی در بسیاری از موارد تقیه لازم نبوده و تبری بایستی صورت گیرد. (اصول کافی، جلد ۴، باب مجالست اهل المعاصی، تهذیب الاحکام جلد ۶ صفحه ۱۷۲ / الوافی جلد ۱۵ صفحه ۱۹۷ / وسایل الشیعه جلد ۱۶ صفحه ۲۳۵، مستدرک الوسائل؛ جلد ۴، صفحه ۴۱۰، رقم ۳_ بحارالانوار؛ جلد ۲۷، صفحه ۲۲۳، حدیث (۱۱) بنابراین تأکید امام صادق علیه‌السلام بر تبری از مخالفان کسانی را شامل می‌شود که به‌شدت با پیامبر و اهل بیت او کینه و دشمنی کردند و در میان مسلمانان کارشکنی و تفرقه نمودند؛ اما حسن معاشرت امام در مورد کسانی بوده است که نسبت به اهل بیت کینه و دشمنی نداشته، بلکه محبت آن‌ها را به دل داشتند و در مواردی که حضرت با مخالفان کینه‌توز رفتار شایسته‌ای داشته، به جهت تقیه مداراتی و برای دفع خطرات آنان و همچنین برای مصالح و مفاسدی بوده که مدنظر حضرت قرار داشته است.

نتیجه:

مقایسه سخنان و سیره و رفتار امام صادق (ع) در تبری از مخالفان هرچند زمینه‌ساز نگاه تطوری شد، اما هیچ‌گونه تقابل و تعارضی بین سخنان و سیره حضرت در ارتباط با تبری از مخالفان وجود ندارد. بلکه امام صادق با توجه به شناخت زمانه و آسیب‌های موجود و شرایط اجتماعی اقدام به حسن معاشرت با آنان نمود و با منطق و استدلال به بیان حقایق و دفع شبهات و تثبیت عقاید خود و دیگر مؤمنان پرداخته و حتی زمینه‌ی هدایت مخالفان را فراهم نموده است، زیرا زمان حضرت به‌گونه‌ای بود که شیعیان در مدینه در اقلیت قرار داشته و به همین جهت تبری از مخالفان به‌صورت آشکارا برای امام و شیعیان بسیار خطرناک بود. از طرف دیگر خلفای عباسی و از جمله منصور دوانیقی به‌شدت امام و شیعیان را کنترل می‌کردند از این‌رو حسن معاشرت با مخالفان مهم‌ترین اقدامی است که امام صادق در این زمان انجام داد و این به معنای ترک تبری نیست؛ بنابراین تبری در هر صورت واجب است ولی اظهار آن تابع شرایط زمانه است.

تقیه مداراتی راهکار دیگری برای توجیه تضاد تعارض میان سخن و رفتار امام صادق در تبری از مخالفان است. گر چه بین تبری و تقیه تعارض وجود دارد، اما هیچ‌گونه تعارضی با یکدیگر ندارند، بلکه این دو مکمل یکدیگرند؛ بدین معنا که هرگاه شرایط اجتماعی در حالت عادی و بدون خطر باشد، مؤمنان با استفاده از تبری به بیان حقایق پرداخته و هر زمان شرایط برای تبیین حقایق فراهم نباشد و مؤمنان در موضع خطر باشند تقیه صورت می‌گیرد. در حقیقت این دو آموزه هماهنگ با یکدیگرند و در پی رسیدن به یک هدف هستند، اما در هر زمان چگونگی و گزینش رفتار مؤمنان بسته به شرایط اجتماعی است.

دشمن‌شناسی نیز از راه‌حل‌های تضاد میان سخن و رفتار امام صادق در تبری از مخالفان است. بر این اساس از مخالفان به دشمنان داخلی یا غیرخودی‌ها تعبیر شد غیرخودی‌هایی که شناسایی و مبارزه با آن‌ها آسان نیست اما در صورت شناسایی مراتب تبری از آنان متفاوت است زیرا از نظر شیعیان هر مسلمان غیر شیعی مصداق وجوب تبری نیست بلکه تبری شامل کسانی است که با علم و آگاهی نسبت به عترت پیامبر اکرم دشمنی کنند. این در حالی است که بسیاری از مخالفان نسبت به اهل بیت ارادت داشته و به منزلت و جایگاه معنوی ائمه معترف‌اند. از این‌رو تبری امام صادق و یا حسن معاشرت حضرت با مخالفان به جهت مرتبه و درجه‌ی دشمنی مخالفان بوده و این به معنای ترک تبری یا تضاد میان سخن و رفتار امام نیست.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۸ م.
- ابن دُرید، ابوبکر محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت، دار العلم للمالین، ۱۹۸۷ م، چاپ اول.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، ج اول، انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ ش.
- ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، قم، مکتب الإعلام الإسلامي، ۱۳۷۶ ش، چاپ دوم.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۲۴ ه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- احمد شهاب الدین، ابن حجر الهیتمی المکی، الفتاوی الحدیثیة، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- استرآبادی، جعفر بن سیف الدین، البراهین القاطعة فی شرح تجرید العقائد الساطعة، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲ ش، چاپ اول.
- اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۲، ۱۳۹۰ ق.
- اسماعیلی، مهدی، تولی و تبری از نگاه دیگر، قم، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴ ش.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ق.
- بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
- جعفریان، رسول، حیات فکری - سیاسی امامان شیعه، تهران، علم، ۱۳۹۱.
- جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، قم، چاپ دهم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۶ ش.
- الجنیدی، عبدالحلیم، الإمام جعفر الصادق (ع)، قاهره، ۱۳۹۷ ق / ۱۹۷۷ م.
- حراغلی، وسائل الشیعه، بیروت: مؤسسه مطبوعات اعلمی، ۱۴۱۷ ق.
- خویی، حبیب الله بن محمد، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه الاسلامیة، ۱۴۰۰ ق.
- دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حدّاد عادل، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۰ ش، چاپ اول.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب، قم، الشریف رضی، ۱۳۷۱ ش.
- ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الإسلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ط الثانية، ۱۴۱۳ ق.
- راغب اصفهانی، حسین، مفردات قرآن، قم، انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۳ ش.

السفارینی الحنبلی، شمس الدین، ابوالعون محمد بن احمد بن سالم، لوامع الانوار البهیه وسواطع الاسرار الاثریه، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۱۱هـ-۱۹۹۱م.

شریف رضی، محمدحسین، نهج البلاغه، محقق، صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق، چاپ اول.

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر دیوان، ۱۳۸۸ ش.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الخصال، تحقیق: غفاری، علی اکبر، چاپ اول، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، عیون أخبار الرضا، چاپ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الاعتقادات فی دین الامامیه، بیروت، دار المفید للطباعة، ۱۴۱۴ ق، چاپ دوم.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الأمالی، چاپ ششم، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، علل الشرائع، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول، ۱۳۸۶ ه ق.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، معانی الاخبار؛ مترجم عبدالعلی محمدی شاهرودی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

صفری فروشانی، نعمت الله، نقش تقیه در استنباط، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۴.

طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق.

طبرسی، علی بن حسن بن فضل، مشکات الانوار فی غرر الاخبار، ترجمه عبدالله محمدی، قم، دارالتقلین، ۱۳۷۹.

طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، نشر مرتضوی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.

طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، تهران: دار الكتاب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.

طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، ۱۳۷۸، چاپ دوم.

عسقلانی، ابن حجر، تهذیب التهذیب، چاپ اول، بیروت، انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۴ ه.ق.

فتال نیشابوری، روضه ألواعظین و بصیره المتعظین، قم، دلیل ما، ۱۴۲۳ ق

فخلعی، محمد تقی، مجموعه گفتمان های مذاهب اسلامی، نشر مشعر، تهران، چاپ اول، سال چاپ: ۱۳۸۳ ش.

کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، اختیار معرفة الرجال، مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، بیروت: دارالصعب، ۱۴۱۰ ق.

مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ ش،

چاپ اول.

مطهرى، مرتضى، مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا، ١٣٧٢، چاپ دوم.

مفيد، محمد بن نعمان، الاختصاص، بي جا، دارالمفيد، ١٤١٤ ق.

مقزم، عبد الرزاق، مقتل الحسين عليه السلام، بيروت، مؤسسة الخرسان للمطبوعات، ١٤٢٦ ق - ٢٠٠٧ م.

يحصبي، قاضى ابى الفضل عياض، ترتيب المدارك و تقريب المسالك، تصحيح احمد بكيير محمود،

بيروت، منشورات دار المكتبة الحياة. بي تا.



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی